

دوتا ۲۸۷	عهد عتیق / ۱۸
	ایوب
S = معلم ۲ (تدریس توسط معلم ۲)	

(S) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه تعلیمی، فرصت خواهید داشت با کتاب مقدس آشنا شوید. هنگامی که به این برنامه گوش می‌دهید، در دفترتان یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. در مورد منشأ کتاب ایوب، و خصوصیتش به عنوان مکاشفه الهی، و نیز تقسیم‌بندی‌اش مطالبی خواهیم آموخت. همچنین پیامهای اصلی کتاب ایوب را از نظر خواهیم گذراند.

نکته یک- منشأ کتاب ایوب

اول - نام کتاب.

نام "ایوب" می‌تواند به معنی "شخص در مانده" یا "کسی که به خدا روی می‌آورد" باشد. نام ایوب در حزقیال ۱۴: ۱۴ و ۲۰، و یعقوب ۵: ۱۱ آمده است و این ثابت می‌کند که ایوب شخصیتی تاریخی بوده است. در کتاب حزقیال، نام او در کنار نوح و دانیال آمده است. احتمالاً این همان دانیال نبی کتاب مقدس نیست، زیرا در زبان عبری بصورتی متفاوت نوشته شده است. در ادبیات اوگاریت، از شخصی بنام "دانیل" نام برده شده است، و بنابراین ایوب می‌تواند شخصیتی متعلق به دوره‌ای بسیار باستانی باشد.

دوم - نویسنده و زمان و تاریخ نگارش.

یک - چه کسی کتاب ایوب را نوشت؟ برخلاف ۴ کتاب دیگر کتاب مقدس که به زبان شعر نوشته شده‌اند، کتاب ایوب هیچ‌گونه نشانه مشخصی از نویسنده خود ارائه نمی‌دهد. کتاب ایوب احتمالاً توسط فردی ناشناس، که در ضمن تحت الهام خدا بوده، نوشته شده است. این نویسنده با تاریخچه آزمایش‌های ایوب آشنایی داشته، یا شاید به احتمال بیشتر، خود شاهد آنها بوده است. او مجادلات کلامی ایوب را با سه دوست خود، و همینطور گفتگوهای الیهو و خدا را در قالب شعر در آورد. و از آنجایی که او تحت الهام روح القدس قرار داشت، خدا پیشینه آسمانی آزمایش‌های زمینی ایوب را بر وی آشکار نمود. از روش بکارگیری ضمیر سوم شخص برای توصیف فضایل و کامیابیها و اموال ایوب در فصلهای ۱ و ۴۲، چنین بر می‌آید که اینها حاصل مشاهدات شخصی نویسنده بوده‌اند.

کتاب مقدس بازگو نمی‌کند که چه کسی کتاب ایوب را نوشته است. با وجود این، او نیز همچون دیگر نویسندگان کتاب مقدس، در خدمت "نویسنده" الهی کتاب، یعنی روح القدس بود و بطور دقیق درست همان مطالبی را گرد آورد و نوشت که که خدا مایل بود انسان از آن آگاهی داشته باشد.

دو - کتاب ایوب کجا نوشته شد؟ کتاب مقدس در مورد محل نوشته شدن کتاب ایوب چیزی ذکر نمی‌کند، اما به ما می‌گوید که ایوب کجا زندگی می‌کرد (۱: ۱). او در "سرزمین عوص" می‌زیست، که به احتمال بسیار زیاد، در نزدیکی مرزهای جنوبی ادوم قرار داشت. این بدان معنی است که ایوب، اسرائیلی نبود.

سه - کتاب ایوب در چه زمانی نوشته شد؟ در ایوب ۹: ۲۳، ۱۲: ۱۶-۲۵، ۱۵: ۱۹ و ۲۴ و ۳۶: ۲۰ توصیفاتى درباره نازامیهای سیاسی و اجتماعی ذکر شده است. اینها می‌تواند اشاره به وقایع فاجعه‌آمیزی باشد که در آن عصر، در آن نقطه از جهان اتفاق افتاده بود. عده‌ای از مسیحیان معتقدند که کتاب ایوب قدیمی‌ترین کتاب مکتوب در کتاب مقدس است. اسامی "تیمانی"، "شوحی"، "نعماتی" و "بوزی" به زمانی بسیار دور و باستانی اشاره دارند، یعنی به زمانی که چنین عناوینی قابل فهم بودند و کاربرد داشتند. هیچ‌گونه ذکری از پاتریارخها، موسی، یوشع، داوران یا پادشاهان اسرائیل نیامده است. و هیچ‌یک از کتابهای دیگر کتاب مقدس، همچون این کتاب در مورد شریعت، اسرائیل، یا بخشی از تاریخ آن سکوت کامل اختیار نکرده. بنابراین، این حقایق آنها را به این باور رسانده که در اصل، کتاب ایوب در خارج از محدوده قوم اسرائیل تدوین شده است، و اینکه به احتمال بسیار زیاد، در زمان اقامت قوم اسرائیل در مصر، یعنی بین سالهای ۱۸۷۶ تا ۱۴۶۶ قبل از میلاد نوشته شده است. عده‌ای از مسیحیان حتی بر اساس کشف اسامی بسیار قدیمی در کتاب ایوب، به این اعتقاد رسیده‌اند که ایوب به نسل جوانتر معاصرین پاتریارخها تعلق داشت، و اینکه این کتاب در حدود سال ۱۹۰۰ قبل از میلاد نوشته شده است.

نتیجه‌گیری. در کتاب ایوب حتی يك عبارت نیز درباره نویسنده کتاب، یا زمان و مکان تدوین آن نیامده است. از قرار معلوم، خدا برای رسیدن به هدف خود از طریق این کتاب، وجود این حقایق را لازم ندانسته؛ در غیر این صورت کتاب به ذکر آنها می‌پرداخت. کتاب ایوب چیزی بیش از بخشی از ادبیات اسرائیل است. این کتاب بخشی از کتاب مقدس است که بنا بر دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ بر اثر عمل روح القدس به وجود آمده. کتاب ایوب بخشی از مکاشفه خدا است. اینکه این بخش از مکاشفه چگونه بوجود آمد و خدا برای آشکار کردن افکار خود از چه افرادی و چه طریق‌هایی و چه شرایطی استفاده کرد، سؤالاتی هستند بدون پاسخ.

نکته دو- تقسیم‌بندی کتاب ایوب

مضمون کتاب ایوب عبارت است از "حاکمیت مطلق خدا".

کتاب ایوب را می‌توان به سه بخش زیر تقسیم‌بندی کرد:

بخش نخست شامل ایوب فصل‌های ۱: ۱ تا ۲: ۱۳ است. مبارزه ماورای طبیعی که در آسمان رخ داد، پیشینه رنج‌های

زمینی ایوب است. این بخش متشکل از سه قسمت به زبان نثر است:

قسمت اول. ایوب ۱: ۱-۲۲. اولین آزمایش ایوب.

قسمت دوم. ایوب ۲: ۱-۱۰. دومین آزمایش ایوب.
 قسمت سوم. ایوب ۲: ۱۱-۱۳. نویسنده به معرفی سه دوست ایوب می‌پردازد.
 بخش دوم متشکل است از ایوب ۳: ۱ تا ۴۲: ۶ شامل گفتگوها و سخنرانیها. این بخش متشکل از ۷ قسمت به زبان شعری نظم است:

قسمت اول. ایوب ۳: ۱-۲۶. ایوب روزی را که بدنیا آمد لعنت می‌کند.
 قسمت دوم. ایوب ۴: ۱ تا ۱۴: ۲۲. اولین دور گفتگوها بین ایوب و دوستانش.
 قسمت سوم. ایوب ۱۵: ۱ تا ۲۱: ۳۴. دومین دور گفتگوها بین ایوب و دوستانش.
 قسمت چهارم. ایوب ۲۲: ۱ تا ۲۶: ۱۴. سومین دور گفتگوها بین ایوب و دوستانش.
 قسمت پنجم. ایوب ۲۷: ۱ تا ۳۱: ۴۰. سخنان ایوب.
 قسمت ششم. ایوب ۳۲: ۱ تا ۳۷: ۲۴. سخنان الیهو.
 قسمت هفتم. ایوب ۳۸: ۱ تا ۴۲: ۶. سخنان خدا که منحصرأ خطاب به ایوب بود.
 بخش سوم متشکل است از ایوب ۴۲: ۷-۱۷. آخرین سخنان خدا. خدا عدم‌رضایت خود را از آنچه که سه دوست ایوب در طی مباحثشان عنوان کردند، ابراز می‌دارد. او از ایوب حمایت و دفاع می‌کند و او را به سعادت‌مندی سابقش بازمی‌گرداند.

نکته سه- محتوا و پیامهای اصلی کتاب ایوب

سه پیام در کتاب ایوب وجود دارد. اولین آنها از کمترین اهمیت، و آخرین پیام از بیشترین اهمیت برخوردار است. **پیام اول.** "کتاب ایوب درباره ستایش توأم با شادمانی از کارهای خدا در طبیعت تعلیم می‌دهد." این کتاب پر است از توصیفاتی درباره کارهای خدا در طبیعت. معجزه‌های که هر روز در طلوع آفتاب رخ می‌دهد و در ایوب ۳۸: ۱۲-۱۴ توصیف شده، ما را به یاد سخنان مسیح در متی ۵: ۴۵ می‌اندازد که چگونه خدا آفتاب خود را بر بدان و نیکان می‌تاباند. این عبارت در ایوب ۳۸: ۲۶-۲۷ که خدا باعث نزول باران بر سرزمینی متروک و بیابانی عاری از سکنه می‌شود، و اینکه اسب آبی و تمساح در مسیر رودخانه به بازی و حرکت می‌پردازند، ما را به یاد سخنان مسیح در متی ۶: ۲۸-۳۰، درباره سوسنهای صحرا می‌اندازد، و به ما می‌آموزد که کارهای خدا در طبیعت هر چند ممکن است در عمل اهمیت خاصی برای انسان نداشته باشند، اما در نزد خدا مهم هستند. در رومیان ۱: ۱۹-۲۱، پولس می‌آموزد که کیفیت‌های نادیدنی خدا از قبیل قدرت ابدی و ذات الهی او را می‌توان در کارهای خلقت مشاهده کرد. ایوب با تعمق بر کارهای خدا در طبیعت، به عظمت، قدرت و حکمت خدا پی برد.

پیام دوم. "کتاب ایوب درباره یکی از علت‌های مهم رنج تعلیم می‌دهد."

یک- اعتقاد حاکم در اسرائیل، درباره اینکه رنج منحصرأ مجازات گناه انسان بود. نکته اصلی کتاب ایوب، منازعه‌ای است بین ایوب و دوستانش درباره علت مصایب و رنجهای او. نقطه نظر دوستان او این بود که خدا گناه را مجازات می‌کند و گناه به مجازات می‌انجامد. مجازات متشکل از مصایب است (اشعیا ۳: ۱۰-۱۱). هر چند ممکن است که خود این مطلب صحیح باشد، اما دوستان قضیه خود را بصورت معکوس مطرح می‌کنند و می‌گویند که مصایب، مجازات گناه هستند و ثابت می‌کنند که "باید" حتماً گناهی در بین بوده باشد. بنابراین آنها چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که ایوب حتماً باید گناهکاری بزرگ باشد.

این عقیده دوستان ایوب، مدت درازی در اسرائیل حاکم بود، تا جایی که عیسی مجبور به مخالفت با آن شد. در یوحنا ۹: ۱-۳، شاگردان عیسی از او پرسیدند که آیا مرد نابینا بخاطر گناهان خود یا گناهان والدینش بود که نابینا بدنیا آمده است. و عیسی در پاسخ فرمود: "هیچکدام. علت آنست که خدا می‌خواهد قدرت شفا بخش خود را اکنون از طریق او نشان دهد." یوحنا ۹ "از نظرگاه خدا به علت وجود رنج می‌نگرد: یعنی لازم بود تا کار خدا در زندگی شخص دیده شود." همچنین در لوقا ۱۳: ۱-۵، عیسی به مردم گفت که آنها نباید فکر کنند که علت واقع شدن مصایب بر برخی از انسانها به دلیل آن است که آنها گناهکارتر از دیگران بوده‌اند. او فرمود که انسانهایی که به آن‌صورت رنج کشیده‌اند، الزاماً گناهکارتر از انسانهای دیگری نبودند که در رنج بسر نمی‌بردند. اما عیسی هشدار داد که در صورتیکه ایشان نیز توبه نکنند، هلاک خواهند شد. لوقا ۱۳ "از نظرگاه انسان به علت وجود رنج نگاه می‌کند: یعنی انسان لازم است توبه کند، در غیر این صورت او نیز از مصیبتی هولناک رنج خواهد برد." پولس رسول غلاطیان را برای این واقعیت ستود که بیماری او را دلیلی برای اثبات گناه او قلمداد نکردند (غلاطیان ۴: ۱۳-۱۵). و در رومیان ۵: ۳، او فرمود که چگونه مسیحیان در رنجهای خود مسرور می‌باشند.

دو- دیدگاه موجود در کتاب ایوب درباره اینکه رنج، کار و جلال خدا را نشان می‌دهد. کتاب ایوب به ما کمک می‌کند تا از دیدگاه خدا به وجود مصایب و رنج نگاه کنیم. به همین علت است که کتاب، در آغاز، ما را به پشت صحنه وقایع زمینی می‌برد تا آنچه را که بطور خاص در دربار آسمان اتفاق افتاد ببینیم. این صحنه در قالب اصطلاح زمینی 'دربار پادشاهی' به تصویر کشیده شده است، یعنی جایی که خدا خدمتگزاران خود، یعنی ساکنان آسمان را به حضور می‌پذیرد. در میان این درجه‌داران سلطنتی، شیطان نیز حضور داشت. نام "شیطان" به معنای "مدعی" است. در دوران باستان، هر پادشاه در وهله اول، یک قاضی بود. در دربار او "مدعی‌ای" بود که بعنوان "سردار بازرسی و مدعی" عمل می‌کرد. وظیفه او آن بود که در قلمرو پادشاه، با چشمان و گوشهایی باز سیر و سیاحت کند و هرگونه عمل بدکارانه‌ای را که شاهد بوده، گزارش کند. البته خدا به چنین بازرسی یا مدعی‌ای که اتهام وارد آورد، نیاز ندارد، زیرا خدا کاملاً آگاه است که چه کسانی مطیع او هستند و چه کسانی مطیع نیستند. بر اساس عبرانیان ۴: ۱۳، خدا همه چیز را می‌بیند و با هر يك از انسانها آشنایی کامل دارد. در نهایت امر،

مقصود این مدعی یا سردار بازرسی آن نبود تا با خدا ضدیت کند، بلکه به حرمت خدا بیفزاید. اما از کتاب مقدس می‌فهمیم که شیطان یا ابلیس، فرشته‌ای سقوط کرده است و با خدا ضدیت می‌ورزد و بدنبال آن است تا حرمت خدا را از بین ببرد. در ضمن او یک دروغگو است و به دروغ، مدعی انسانها در برابر خدا است.

خدا شادی خود را از بابت ایوب ابراز می‌کند و می‌گوید که وی نه تنها ثروتمندترین مرد در بین تمام انسانهای مشرق‌زمین است، بلکه از لحاظ اخلاقی و دینداری، در تمام زمین بی‌همتا است. اما بنظر شیطان، دیانت ایوب، و بنابراین هر گونه دیانت انسانی، شکلی آراسته از خودمحوری است. انسان، با دیندار بودن، برای خود امنیت و سعادت ذخیره می‌کند، زیرا خدا افراد دیندار را با تمامی دارایی‌شان محفوظ نگاه می‌داشت. شیطان گفت که اگر انسانی در مقابل رفتار صحیح خود در قبال خدا و انسان سودی نمی‌برد، طور دیگری عمل می‌کرد و دیگر به دینداری خود ادامه نمی‌داد. شیطان خدا را به مبارزه طلبید تا سیاست متفاوتی در قبال ایوب در پیش گیرد و حمایت خود را از وی باز گیرد. در آنصورت خدا خواهد دید که ایوب او را رها می‌کند. خدا می‌دانست که ایوب او را نه بخاطر منفعت شخصی، بلکه بخاطر خدا بودنش عبادت می‌کند. اما بحث با شیطان بی‌فایده است، زیرا او فاقد شخصیتی در ستکار می‌باشد. بنابراین این آزمایش باید انجام می‌شد، و باید ثابت می‌شد که چه کسی بر حق است: خدا یا شیطان. خدا مبارزه با شیطان را قبول کرد و جلال خود را به مخاطره انداخت. "نوع واکنش ایوب نسبت به مصایب و رنج، بر جلال خدا اثر می‌گذاشت". ایوب می‌بایست از همه انواع مصایب رنج می‌برد تا کار خدا در زندگی‌اش نمایان شود. بنابراین، خدا به شیطان اجازه داد تا همه اموال ایوب را از او بگیرد. اما از آنجایی که خدا به ایوب اطمینان داشت و او را دوست می‌داشت، شیطان را در یک مورد محدود کرد: اینکه شیطان حق نداشت تا صدمه‌ای به جان وی وارد آورد؛ یعنی جان و سلامتی‌اش باید دست‌نخورده باقی می‌ماند.

نتیجه‌گیری: کتاب ایوب این را رد می‌کند که رنج صرفاً مجازات گناه می‌باشد و اینکه بتوان از طریق بدبختی‌های یک فرد، پی به اعمال آن شخص برد. دلیل رنج‌های ایوب گناه او نبود، بلکه بدین‌خاطر بود تا کار خدا در او نمایان شود. رومیان ۸: ۲۸ می‌فرماید: 'پس اگر ما خدا را دوست می‌داریم و مطابق خواست و اراده او زندگی می‌کنیم، باید بدانیم که هر چه در زندگی ما رخ می‌دهد، به نفع ماست! افکار و طریقه‌های خدا، ابدیت را مد نظر دارد و بر اساس ملاحظاتی بسیار وسیعتر و عمیقتر از فهم محدود ما عمل می‌کند.

پیام سوم: "کتاب ایوب درباره حاکمیت مطلق خدا تعلیم می‌دهد".

این مهمترین پیام کتاب ایوب است. سؤال اساسی در کتاب ایوب این است: "آیا خدا حق دارد اجازه دهد تا ایوب و دیگر انسانها اینقدر زجر بکشند؟" کتاب ایوب ثابت می‌کند که خدا بطور مطلق حق دارد اجازه دهد تا انسانها رنج بکشند، زیرا او دلایل مقدسی برای این کار دارد، دلایلی که خدا بر ایوب و بر ما آشکار نمی‌کند". کتاب ایوب تعلیم می‌دهد که خدای خالق، حاکمیت مطلق دارد و مالک عالم هستی و هر انسانی می‌باشد.

یک- "خدا قدرت و حاکمیت مطلق بر سعادت انسان دارد". ایوب حاکمیت مطلق خدا را پذیرفت. پس از آنکه ایوب تمام دارایی‌اش را از دست داد، عکس‌العمل او این بود که بر زمین بیفتد و خدا را بپرستد. او تمام زندگی خود را در این مطلب خلاصه کرد که هنگام به‌دنیا آمدن صاحب چیزی نبود، و هنگام ترک دنیا نیز چیزی با خود نخواهد برد. او انتظاری بیش از این از زندگی نداشت. ثروت زیاد او پس از تولد به او سپرده شده بود و آنهم "بعنوان هدیه‌ای موقت که از روی لطف خدا" به او بخشیده شده بود. ایوب دلیلی برای متهم ساختن خدا نمی‌یافت، بلکه خدا را بخاطر وجود برکات زیادی که در طی زندگی از خدا دریافت کرده بود، حمد کرد. خدا بطور کامل حق داشت تا همه اموالی را که بعنوان وام بدون بهره به او بخشیده بود، از او بازستاند. "ایوب حاکمیت مطلق خدا را بر کلیه اموال خویش پذیرفت".

در مجمع دومی که در دربار آسمانی خدا ترتیب یافت، خدا به شیطان خاطر نشان ساخت که ایوب حتی پس از نابودی همه اموال خود، همچنان تقوای خود را حفظ کرده است. صرف‌نظر از این واقعیت که ایوب مرتکب گناه عظیمی نشده بود که استحقاق این بدبختیها را داشته باشد، با این حال او همچنان مردی باقی ماند که شرافتش تردیدناپذیر بود. با وجود این، شیطان حاضر نبود به حقانیت خدا و اشتباه خود اعتراف کند. شیطان استدلال کرد که دلیل آنکه ایوب از خدا رویگردان نشده، این است که تنها اموالش را از دست داده و نه سلامتی‌اش را. شیطان گفت که اگر ایوب بواسطه بیماری تا حد مرگ برسد، آنگاه از خدا روی بر خواهد گرداند.

دو- "خدا بر سلامتی و زندگی انسانها قدرت و حاکمیت مطلق دارد". بار دیگر خدا مبارزه طلبی شیطان را پذیرفت. او اجازه داد تا شیطان ایوب را تا سر حد مرگ بیمار کند، اما اجازه نداشت جانش را بگیرد. شیطان تمام بدن ایوب را مبتلا به دمل‌های دردناک کرد، و او می‌بایست دردی جانکاه و خارش طاقت‌فرسا را تحمل می‌کرد. از آنجایی که ایام سوگواری فرزندان آغاز شده بود، پس او در جلو خانه خود، بر زمین نشست. همسرش تاب تحمل دیدن رنج او را نداشت و نیز قادر نبود کمکی به او بکند. پس در کمال درماندگی، در تعارض با خدا قرار گرفت و ایوب را برانگیخت تا خدا را لعنت کند. او بدون آنکه خود، آگاه باشد، در نابود ساختن ایوب و نیز حرمت خدا، با شیطان همکاری می‌کرد. اما ایوب پاسخ داد که هر که برکات خدا را بپذیرد، چاره‌ای جز پذیرفتن آزمایشهای خدا ندارد. نتیجه‌گیری این بخش از داستان نیز همان بود: اینکه ایوب در رفتار خود مبرا از خطا باقی ماند. حتی در این زمان، سخنی ناشایست از دهانش خارج نشد. "ایوب به قبول کردن حاکمیت مطلق خدا بر سلامتی و کل زندگی خود ادامه داد".

سه- "خدا بطور مطلق حق دارد تا دلایل خود را بر وجود رنج آشکار کند و نیز حق دارد این کار را انجام ندهد". بعدها ایوب در حین گفتگو با دوستان خود، دیگر بر حاکمیت مطلق خدا اذعان نکرد. بلکه او خدا را خواند تا در مورد آنچه که انجام داده بود، توضیح دهد و دلایل رنجش برایش بازگو کند. این تغییر رویه در ایوب از لحاظ روانشناختی بسیار قابل درک است. کدام انسان است که درباره رنج خود و علت آن سؤال نکند؟ البته، خدا می‌توانست پاسخ مسئله ایوب را در مورد

رنجی که متحمل می‌شد، بلافاصله با گفتن علت واقعی آن حل کند. اما خدا چنین نکرد. او به ایوب اجازه نداد تا پشت صحنه را ببیند. با وجود این، او این اجازه را به ما داده است تا با دیدن پشت صحنه، به رقابت موجود بین خدا و شیطان پی ببریم. خدا از طریق کتاب ایوب با حاکمیت مطلق خود بر ما آشکار می‌کند که "او بطور کلی برای همه اتفاقات، دلایل یا مقاصد مقدس خود را دارد". اما او دلیل یا مقصود مقدس خود را در مورد هر تجربه‌ای از رنج که داشته باشیم، آشکار نمی‌کند. این حق و اختیار ویژه خدا است و به ایوب یا به ما، هیچ ربطی ندارد. بنابراین ایوب علت رنج خود را نمی‌دانست؛ در غیر این صورت این امتحان دیگر نمی‌توانست امتحانی واقعی باشد. در ایوب ۳۸-۴۲، خدا منحصرأ با ایوب سخن گفت و به سؤال او در خصوص علت رنجش پاسخی نداد. خدا فقط عظمت، قدرت و حکمت خود را به ایوب نشان داد، که فوق فهم انسانی است. او از میان طوفان با ایوب سخن گفت. آنچه که باعث شد ایوب "تسلیم شود و خود را بطور کامل به عمل حاکمانه خدا بسپارد، این نبود که ایوب پاسخی برای پرسش خود در خصوص رنج خود یافته بود، بلکه ایوب عظمت خدا را مشاهده کرده بود. و ایوب با فروتنی توبه کرد که عمل خدا را در مورد خودش زیر سؤال قرار داده بود، و بر ضد خدا بطور تکبرآمیز سخن گفته بود. این واقعیت که خدا دوستان ایوب را توبیخ کرد و بدین ترتیب از ایوب دفاع کرد، دلیل بر آن نیست که ایوب در همه حال از ارتکاب به گناه مبرا بود، بلکه این توبیخ بخاطر آن بود که دلیل رنج او به علت آن نبود که گناه عظیمی مرتکب شده بود. علت رنج او این بود که در حکمت حاکمانه و تفحص‌ناپذیر خدا، قرار بود تا خدا کار خود را در زندگی ایوب نمایان بسازد. این واقعیت که خدا سلامتی، خانواده و اموال ایوب را به او بازگرداند، دلیلی بر اثبات عدالت خدا نیست، بلکه این رحمت و محبت خدا را نسبت به ایوب نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری: هر چند این حقیقت دارد که خدا انسانها را بر اساس اعمالشان کیفر یا پاداش می‌دهد، اما پیام کتاب ایوب این نیست. پیام اصلی کتاب ایوب آن است که خدا در اعمال خود نسبت به انسانها، بطور مطلق حاکمیت دارد. و تنها واکنش شایسته در برابر حاکمیت خدا، تسلیم شدن به او و پرستش کردن او می‌باشد. این همان کاری است که ایوب کرد. و این همان کاری است که ما باید انجام بدهیم.

تکلیف برای هفته آینده

- اول. در طول هفته آینده، مزامیر ۱-۷۵ را بخوانید. هفته آینده، به معرفی کتاب مزامیر- بخش ۱ خواهیم پرداخت.
- دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار می‌کنم....
- سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.